

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی تطبیقی وحی رسالی در تفسیر «تسنیم» آیت الله جوادی

آملی و تفسیر «فی ظلال القرآن» سیدبن قطب

نگارش

شهره تحویلی دربان

استاد راهنما: دکتر زهرا کاشانیها

استاد مشاور: دکتر علی اکبر شایسته نژاد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم قرآنی و حدیث

دی ۱۳۹۱

تقدیر و سپاسگزار

قبل از هر چیز لازم می‌دانم از زحمات استاد راهنمای گرامی سرکار خانم کاشانیها

و

استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر شایسته نژاد که با صبوری و توجه در آماده

کردن این تحقیق مرا یاری نمودند، تشکر نمایم،

و از تمامی اساتیدم به پاس آموخته‌هایم سپاسگزارم.

چکیده

شناخت پدیده‌ی وحی و تبیین آن از دیرباز مسأله‌ای مطرح میان اندیشمندان بوده، در هر عصر و زمانی، رویکردهای مختلفی در جهت اثبات و انکار آن اظهار شده است. در مورد ماهیت وحی و مراتب آن نیز نظرات متفاوتی مطرح شده؛ علاوه بر بررسی‌هایی که متکی بر آیات قرآن است، برخی از بحث‌ها در این زمینه رویکردی کلامی داشته و بعضی، مبتنی بر دیدگاه فلسفی و عرفانی است و در سده‌ی اخیر در جوامع علمی وحی به عنوان تجربه‌ای دینی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش که مشتمل بر چهار فصل است، دیدگاه دو مفسر درباره‌ی وحی و مراتب آن بیان گردیده است و در این راستا نظرات گوناگون و اشکالات وارد بر آن‌ها با توجه به دیدگاه ایشان تبیین شده، در پایان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دیدگاه بیان گردیده است. نوع تحقیق بنیادی و روش آن تحلیل محتواست، اگرچه درباره وحی و ابعاد آن مطالعات و پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، با بررسی‌هایی که انجام شد، تحقیقی با این عنوان که هدف اصلی آن مقایسه آرا دو مفسر معاصر شیعی و سنی پیرامون وحی و مسائل مربوط به آن باشد، یافت نگردید.

آیت‌الله جوادی وحی آسمانی را مشاهده همه حقایق موثر در تأمین حیات معقول انسانی، از طریق علم حضوری می‌داند؛ مفسر تسنیم در بیشتر مباحث از روش استدلالی بهره می‌گیرد، تا جایی که وحی را در بخشی از آموزه‌هایش دارای نقش تأییدی و ارشادی نسبت به عقل بشری می‌داند، نه اینکه در تقابل با آن قرار گیرد.

سید قطب در اصل وحی را یک نوع تماس و اتصال شگفت‌انگیز می‌داند که جز خداوند کسی نمی‌تواند آن را محقق سازد. او بارها به ناتوانی و محدودیت عقل در شناخت حقیقت امور اشاره کرده است و در تفسیر فی ظلال القرآن به این امر تصریح می‌کند.

کلیدواژه: تسنیم، عصمت، وحی، فی ظلال القرآن، عقلانیت وحی، تجربه‌دینی، سید قطب، جوادی‌آملی

فهرست

صفحه

عنوان

فصل اول . طرح مسأله

۲	مقدمه
۳	۱-۱. بیان مسأله
۵	۲-۱. سؤالات تخصصی
۶	۳-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق
۶	۴-۱. اهداف تحقیق
۶	۵-۱. روش تحقیق
۷	۶-۱. پیشینه تحقیق

فصل دوم . کلیات پیرامون موضوع وحی

۹	مقدمه
۹	۱-۲. معنای لغوی وحی
۱۱	۲-۲. کاربرد وحی در قرآن کریم
۱۱	۱-۲-۲. الهام غریزی
۱۱	۲-۲-۲. الهام تکوینی
۱۱	۳-۲-۲. القائنات شیطانی
۱۱	۴-۲-۲. الهامات رحمانی
۱۱	۵-۲-۲. وحی به انبیا
۱۷	۱-۵-۲-۲. نزول وحی از طریق فرشته
۱۸	۲-۵-۲-۲. مراتب وحی
۲۱	۶-۲-۲. وحی تسدید
۲۳	۳-۲. ضرورت نزول وحی
۲۵	۴-۲. حدیث آغاز وحی
۲۸	۵-۲. رابطه وحی و عقل
۲۹	۶-۲. زبان وحی در قرآن کریم
۲۹	۷-۲. چگونگی نزول قرآن
۳۰	۸-۲. پایان نزول وحی
۳۱	۹-۲. دلایل منکرین وحی در قرآن
۳۳	۱۰-۲. عدم تحریف کتاب وحی

فصل سوم. وحی از منظر آیه الله جوادی آملی

- ۳۷-----مقدمه
- ۳۷-----۱-۳. زندگی نامه
- ۳۸-----۲-۳. بررسی روش تفسیری «تسنیم»
- ۴۰-----۳-۳. وحی از دیدگاه آیه الله جوادی
- ۴۵-----۴-۳. ضرورت وحی
- ۴۷-----۵-۳. عقل و وحی
- ۴۸-----۶-۳. ریشه های انکار وحی
- ۵۰-----۷-۳. شبهات مطرح شده در مورد وحی و نبوت پیامبران و پاسخ به آن
- ۵۰-----۱-۷-۳. اشکال اول
- ۵۰-----۲-۷-۳. اشکال دوم
- ۵۱-----۳-۷-۳. اشکال سوم
- ۵۲-----۴-۷-۳. اشکال چهارم
- ۵۲-----۵-۷-۳. اشکال پنجم
- ۵۲-----۶-۷-۳. اشکال ششم (وحی و تجربه دینی)
- ۵۹-----۸-۳. تفاوت وحی و تجربه عرفانی
- ۶۱-----۹-۳. دلایل عدم تحریف وحی (قرآن)
- ۶۱-----۱-۹-۳. دلیل عقلی
- ۶۱-----۲-۹-۳. دلیل نقلی
- ۶۳-----۱۰-۳. اعجاز در نظر مفسر تسنیم
- ۶۴-----۱۱-۳. پایان نزول وحی از دیدگاه مفسر «تسنیم»
- ۶۴-----۱-۱۱-۳. دلیل عقلی
- ۶۵-----۲-۱۱-۳. دلایل نقلی
- ۶۶-----۱۲-۳. نقش عصمت پیامبران در دریافت وحی
- ۶۹-----۱-۱۲-۳. اقسام عصمت
- ۷۰-----۲-۱۲-۳. دلایل عصمت انبیا
- ۷۱-----۱۳-۳. سهو النبی
- ۷۲-----۱۴-۳. افسانه ورقه بن نوفل و دیدگاه آیه الله جوادی آملی
- ۷۴-----۱۵-۳. افسانه غرانیق

فصل چهارم . وحی از منظر سید قطب

۷۹	مقدمه
۷۹	۴-۱. زندگی نامه
۸۰	۴-۲. محور تفکر سید قطب
۸۱	۴-۳. بررسی روش تفسیری «فی ظلال»
۸۲	۴-۴. دیدگاه سید قطب درباره وحی
۸۳	۴-۴-۱. سخن گفتن خدا بانسان
۸۴	۴-۴-۲. رابطه عقل و وحی
۸۶	۴-۴-۳. آغاز نزول وحی بر پیامبر
۸۷	۴-۴-۴. دفعی یا تدریجی بودن نزول وحی قرآنی
۸۷	۴-۴-۵. چگونگی دریافت وحی به پیامبر
۸۸	۴-۴-۶. عصمت پیامبر در نظر سید قطب
۸۹	۴-۴-۱. افسانه غرانیق در فی ظلال
۹۰	۴-۴-۲. نسیان النبی
۹۰	۴-۴-۷. کتاب وحی (قرآن) در نظر سید قطب
۹۱	۴-۴-۸. پایان ارسال وحی و جاودانگی قرآن
۹۳	۴-۴-۹. سید قطب و اعجاز قرآن
۹۵	۴-۴-۱۰. نظر سید قطب درباره عربی بودن زبان وحی
۹۷	تطبیق و نتیجه گیری
۱۰۰	پیشنهادات

فهرست پیوست‌ها

۱۰۱	۱. مفهوم «کلمه» و «تکلیم» در فرهنگ قرآنی
۱۰۱	۱-۱. دیدگاه‌های اندیشمندان درباره کلام الهی
۱۰۴	۲-۱. انواع کلام در قرآن
۱۰۵	۲. دوران تحصیل استاد جوادی
۱۰۶	۳. تفاوت روش تفسیری «تسنیم» و «المیزان»
۱۰۷	۴. آثار و تالیفات سید قطب
۱۰۹	۵. استفاده سیاق در تفسیر «فی ظلال»
۱۱۱	فهرست منابع

فصل اوّل
طرح مسأله

مقدمه

پیامبران برای دریافت فرامین الهی و دستورات نبوت و آیین خود، ناگزیر از یک نوع ارتباط با مبدأ آفرینش می‌باشند، تا از آن طریق بتوانند حقایق و قوانین را دریافت نمایند و به مردم برسانند، این رابطه‌ی ویژه « وحی » نام دارد، امکان وجود چنین رابطه‌ای و کیفیت و ماهیت آن از مسائلی است که همواره ذهن بشر را به خود معطوف ساخته است و برداشت‌ها و نظرات متفاوتی درباره‌ی این پدیده‌ی شگرف جهان خلقت بیان شده است.

وحی در کتاب مقدس به مثابه حقیقتی تاریخی می‌باشد که همچنان فراروی بشر در حال تجلی است. این وحی در طول قرون متمادی در قالب های گوناگون به پیامبران بنی اسرائیل ارسال می‌شد. امروزه به ندرت ادعا می‌شود که وحی کتاب مقدس مانند تلقی ما از قرآن همان سخنان خداوند است، بلکه اسفار این کتاب همگی یا به دست کاتبان بعدی نگاشته شده‌اند و یا در قرون بعدی به آن‌ها دست‌یافته‌اند. با این حال این امر (حداقل در نزد کاتولیک‌ها) به هیچ وجه از ارزش و حیانی آن نوشته‌ها نمی‌کاهد.^۱

ایان باربور^۲ در این باره می‌نویسد: « خداوند وحی را فرستاده است ولی نه با املای یک کتاب مصون از تحریف و خطا بلکه با حضور خویش در حیات مسیح و سایر پیامبران بنی اسرائیل، در این صورت کتاب مقدس « وحی مستقیم » و « متن ناب وحی نیست » بلکه گواهی انسان بر بازتاب وحی درآینه‌ی احوال و تجارب بشری است. در نتیجه، کتاب‌های مقدس که در بردارنده تفاسیر صاحبان تجربه و به نوعی بازتاب وحی‌اند نمی‌توانند مصون از خطا باشند.^۳

برخی عرفا پدیده وحی را در قالب مفهوم مکاشفه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. مکاشفه در اصطلاح عرفانی به معنای اطلاع یافتن بر معانی غیبی و امور حقیقی از ورای حجاب مادی و دنیوی است.^۴ علامه طباطبایی در تعریف وحی می‌گوید: « وحی شعور و درک ویژه است در باطن پیامبران که فهم آن جز برای آحاد انسانها که مشمول عنایات الهی قرار گرفته‌اند میسر نیست ». ^۵

^۱ - مطران، معجم اللاهوت الکتابی، ذیل ماده‌ی وحی.

^۲ - دارای دکترای فیزیک از شیکاگو و دکترای الهیات و نویسنده ۱۹۴۳-۲۰۱۰.

^۳ - باربور، ایان، علم و دین، ص ۱۳۱.

^۴ - قیصری، شرحی بر فصوص الحکم، ص ۱۰۷.

^۵ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۱۵۹.

خدای سبحان در آخر سوره «شوری» می‌فرماید: «و ما کان لبشرٍ أن یکلمه الله إلا وحياً أو من وراء حجابٍ أو یرسل رسولاً فیوحی بإذنه ما یشاء». آیه الله جوادی با استناد به این آیه می‌گوید: «هیچ گاه بشری نمی‌تواند از کلام و تکلم الهی بهره‌مند گردد، مگر به یکی از این سه راه: یا وحی بلا واسطه، یا من وراء حجاب، و یا از راه ارسال پیک که آن پیک امین به اذن خدا واسطه می‌شود و هر آنچه را که او بخواهد می‌رساند.»^۱

متفکرین مسلمان نیز در تبیین این آیه اختلاف نظرهایی دارند که از برداشت متفاوت ایشان از مفهوم آیه سرچشمه می‌گیرد، به عنوان مثال حامد ابو زید به این تقسیم بندی خدشه وارد کرده و می‌گوید: «به نظر من این آیه درباره کلام الله سخن می‌گوید، نه وحی از آنجا که ما گمان کردیم کلام خدا همان وحی است و این دو با هم مساویند، شتاب‌زده این آیه را فهم و قرائت کردیم.»^۲

تعریف‌هایی که بر وحی شده، غالباً حقیقی نیست و اصولاً تعریف و ماهیت وحی برای انسان‌های عادی امکان ندارد، زیرا وحی یک ارتباط معمولی و عادی نیست تا درک و تعریف آن ممکن باشد؛ تعریف‌هایی که شده، بیشتر شبیه شرح اسم است.^۳

بنابراین آنچه مطرح است، این است که در طول حیات بشر، از آن زمان که فرستادگان الهی برای هدایت بشر و ابلاغ پیام الهی مبعوث شدند، آرا و برداشت‌های متفاوتی از شیوه دریافت قوانین الهی عنوان گردیده است.

۱-۱. بیان مسأله

وحی بعنوان راه ارتباطی انسان و حقیقت غایی است به نحوی که در همه ادیان و آیین‌های مذهبی نمود دارد و اساسا پایه و زیربنای هرگونه نگاه قدسی به جهان ماورایی به شمار می‌رود، از این روی می‌توان پدیده وحی به معنای مورد نظر را یکی از نخستین مقولات میان الهیات همه ادیان دانست.

اوستا، اوپانیشاد^۴ و کتاب‌های بوداییان هر یک در خود مجموعه‌ای از گفت و گوهای بشر با پدیده‌های غیبی را دارند. مناجات سقراط با الهه معبد دلفی^۵ و نیایش رازآلود کاهنان با نمادهای حضور پدیده‌های غیبی در جهان مادی و آیین‌های اساطیری بومیان برای ایجاد ارتباط با حقایق غیرطبیعی جهان همگی به نوعی در یک نگاه گسترده با مقوله وحی ارتباط می‌یابند.^۶

^۱ - جوادی آملی، قرآن درقرآن، ص ۵۰.

^۲ - ابوزید، حامد، تأویل، حقیقت، نص، مجله‌ی کیان، ۱۳۷۹.

^۳ - امینی، ابراهیم، وحی درادیان آسمانی، ص ۲۷.

^۴ - کهن ترین متون آیین هندو هستند که به دوره‌ی برهمنی باز می‌گردد.

^۵ - نام مکانی باستانی در یونان که زمانی خانه‌ی یکی از کاهنان قدیمی بوده است.

^۶ - برای جستجوی رگه‌های مفهوم وحی در آیین‌های باستانی و ادیان شرقی ر.ک: اعرجی، الوحی و دلالاته فی القرآن، دار الکتب، بیروت، ص ۲۱-۲۶.

وحی جوهره‌ی معرفت دینی و رکن آموزه‌های اسلامی است که شناخت ماهیت، حقیقت، قلمرو و گستره آن از حیث کلامی، تفسیری، فلسفی و حتی عرفانی امری ضروری است. اگر چه پیشرفت علوم جدید و تأملات و تعاملات معرفتی، «فهم وحی» را آسان‌تر و کامل‌تر کرده‌است، ولی وحی مقوله‌ای مستقل، ویژه‌ی انبیا است، که تجربه‌ناپذیر و غیرقابل بسط است و به لحاظ مبادی و نتایج با تجربه‌های بشری صرف (هر چند عرفانی) فرق‌های فاحشی دارد؛ زیرا پیام‌آوران وحی در سه ساحت دریافت، نگهداری و ابلاغ وحی به مردم دارای عصمت هستند، در نتیجه قیاس تجربه‌های باطنی و درونی با وحی، قیاسی نابجاست، البته این به معنای آن نیست که تصور کنیم وحی تفسیرپذیر و قابل شناسایی نیست و راه فهم حقیقت وحی بسته است؛ بلکه به معنای قرار گرفتن وحی پیامبران در افق و مرتبه‌ای بالاتر و والاتر از تجربه‌های عرفانی و دینی و کشف و شهود است.

یکی از دغدغه‌های اندیشمندان اسلامی در این باره، بررسی رابطه‌ی تجربه دینی با وحی است. و این که آیا غیر از پیامبران افراد دیگر هم می‌توانند، چنین تجاربی داشته باشند؟

وحی از جمله مقولاتی است که دسترسی به ماهیت و حقیقت آن برای بشری که بی ارتباط با جهان ماورا طبیعت است حقیقتی دست نیافتنی است و امری ورای ادراک اوست با این حال کنجکاوی برای پی بردن به حقیقت آن، او را به پژوهش در این موضوع وادار نموده است. پژوهش در این موضوع به انگیزه‌های مختلفی صورت گرفته و رهیافت‌های مختلفی در مورد این امر انجام شده که هر کدام به ادعای خود طرفی از این حقیقت را بازگو می‌نمایند.

حضرت محمد (ص) اولین کسی نبود که به نام «وحی» و «سخن آسمانی» مردم را مخاطب قرار می‌داد. از زمان حضرت نوح به بعد افرادی برگزیده و نیک سیرت، پشت سر هم آمده بودند که آنچه می‌گفتند از جانب خدا بوده و میل و اراده خود آنها در این رسالت هیچ دخالتی نداشته است. خداوند، پیامبر(ص) را با همان روش انبیا سلف مورد خطاب قرار داده است، زیرا مبداء و هدف وحی در میان آنها یکی بود.^۱

درباره‌ی وحی و قرآن بحث‌های گوناگونی توسط دانشمندان علوم قرآنی صورت گرفته است. از آن موارد عبارتند از:

۱- «نفوذ ناپذیری وحی» است.^۲ مفسران و محققان قرآنی برای اثبات این مدعا، به برخی از آیات استدلال کرده‌اند. از سوی دیگر، کسانی که درصدد نفی نفوذ ناپذیری وحی و قرآن برآمده‌اند، به آیاتی چند و همچنین به افسانه «غرائیق» تمسک جسته‌اند.

۲- در بیان ضرورت اثبات وحی و عقلانیت آن مباحث و اختلاف نظرهایی وجود دارد، تا جایی که بعضی منکر وجود چنین پدیده‌ای شده‌اند.^۳

۳- گروهی آنرا تجربه نبوی دانسته‌اند.^۴

^۱ - صالح، صبحی، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، ص ۲۷.

^۲ - طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۵۹.

^۳ - انعام/۵.

^۴ - پرودفتوت، وین، تجربه دینی؛ ترجمه عباس یزدانی، مؤسسه طه، قم ۱۳۷۷.

۴- برخی آنرا متأثر از اوضاع اجتماعی زمان پیامبر(ص) دانسته‌اند و رابطه‌ی پیامبر(ص) را با اجتماع رابطه‌ای داد و ستدی تلقی کرده‌اند.^۱

۵- بعضی از همان زمان بعثت پیامبر(ص) اقوال او را در زمینه هدایت بشر به جادوگری و جنون نسبت داده‌اند.^۲

اصولاً مخالفت با پدیده وحی و وحیانی بودن دعوت انبیا از قدیمی‌ترین مباحثی است که در بین اندیشمندان مطرح بوده است، و از آنجایی که درک درست از ماهیت آن و پاسخ‌گویی به اشکالات طرح شده در این باب خود به فهم درست از تعالیم دینی کمک می‌کند، این امر ما را برآن داشت که به تحلیل ابعاد موضوع وحی بپردازیم و این پژوهش را به صورت تطبیقی در تفسیر «تسنیم» (بارویکرد عرفانی - فلسفی) اثر آیه‌الله جوادی آملی و «تفسیر فی ظلال القرآن» (بارویکرد ادبی - اجتماعی) اثر سید بن قطب، انجام دهیم.

در تفاسیر مذکور موارد زیر مورد بررسی قرار گرفته است :

- مفهوم لغوی و اصطلاحی وحی
- بررسی دلایل ضرورت نزول وحی
- اقسام وحی و مراتب آن و کیفیت نزول وحی
- تفاوت وحی با نبوغ ذهنی و تجربه نبوی و تجارب عرفانی
- ادله عقلی و نقلی بر سلامت وحی رسالی
- تحلیل مسئله‌ی پایان پذیرفتن نزول وحی تشریعی

۱-۲. سؤالات تحقیق:

۱- از دیدگاه آیه‌الله جوادی و سید قطب مفهوم و ماهیت وحی چیست؟

۲- دو مفسر ضرورت وحی رسالی را چگونه تحلیل می‌کنند؟

۳- مراتب وحی و اقسام آن در نظر دو مفسر چگونه بیان می‌گردد؟

۴- وجوه افتراق دو دیدگاه پیرامون مقوله وحی کدام است؟

۵- وجوه اشتراک دو دیدگاه در موضوع وحی رسالی چیست؟

^۱ - مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۳۴۹.

^۲ - الحجر/۶، الشعرا/۲۷، الذاریات/۳۹.

۳-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق :

از آنجا که وحی طریق اصلی دستیابی به دستورات الهی به‌شمار می‌آید و نیز به دلیل اختلاف نظرهایی که همواره پیرامون وحی و ابعاد گوناگون آن وجود داشته‌است، برآن شدیم با بررسی این موضوع به روش تطبیقی در آرا دو مفسر شیعی و سنی که روش تفسیری و محور فکری متفاوتی داشته، به شناخت ابعاد مختلف وحی در آرا ایشان بپردازیم؛ و همچنین به وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه این دو صاحب نظر مسلمان که دارای مذهب متفاوت از یکدیگر می‌باشند، درباره موضوع وحی و مسائل مرتبط به آن دست یابیم.

۴-۱. اهداف تحقیق:

هرچند تا به حال تحقیقات بسیاری در ابعاد گوناگون، پیرامون پدیده وحی انجام گرفته است، اما تاکنون پژوهشی به صورت مقایسه‌ای بین نظرات این دو مفسر درباره‌ی موضوع وحی انجام نشده است، لذا در این تحقیق سعی شده تا به این اهداف دست یابیم :

۱- آشنایی با دیدگاه آیه الله جوادی و سید قطب پیرامون تعریف وحی و ماهیت آن

۲- بررسی جایگاه و ضرورت نزول وحی در رسالت پیامبران

۳- بررسی ارتباط میان مراتب وحی و اقسام آن از منظر دو مفسر

۴- تبیین تفاوت‌های دیدگاه دو مفسر درباره وحی

۵- تبیین شباهت‌های دو دیدگاه در موضوع وحی

لذا امید است مطالعه‌ی این تحقیق برای طلاب، قرآن پژوهان و علاقه مندان به مقایسه نظرات و دیدگاه دو مفسر شیعی و سنی درباره وحی و مسائل مرتبط به آن، سودمند و قابل استفاده باشد.

۵-۱. روش تحقیق :

روش جمع آوری در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای بوده، در آغاز منابع مختلف مربوط به موضوع پژوهش، از قبیل کتب و مقالات و پایان نامه‌های پیرامون آن تهیه شد، در مرحله بعد، محتوای مرتبط با موضوع انتخاب

شد و اهداف و سؤالات تحقیق استخراج گردید و سپس ابعاد گوناگون موضوع بررسی گردید و در پایان مقایسه آرا و نتیجه گیری صورت گرفت.

برای جمع آوری اطلاعات مرتبط با اهداف تحقیق، از کتب، رسالات، مقالات، نرم افزارهای قرآنی و تفاسیر مختلف به روش فیش برداری استفاده گردید.

۱-۶. پیشینه تحقیق:

در مطالعات و تحقیقاتی که تاکنون توسط پژوهش‌گران انجام گرفته، سعی شده از جنبه‌های گوناگون به پدیده وحی پرداخته شود.

نمونه‌هایی از کتب مربوط به موضوع وحی عبارتند از:

۱- پرودفتوت، وین، تجربه دینی؛ ترجمه عباس یزدانی، مؤسسه طه، قم ۱۳۷۷

۲- جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹

۳- سعیدی، محمد باقر، تحلیل وحی، انتشارات اندیشه، ۱۳۷۵

۴- صالح، صبحی، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳

۵- طباطبایی، محمد حسین، وحی یا شعور مرموز، انتشارات دارالفکر

۶- کمره‌ای، میرزا خلیل، افق وحی، چاپخانه اسلامی، ۱۳۴۷

نمونه‌هایی از پایان‌نامه‌های مرتبط با این موضوع عبارتند از:

۱- خراسانی، محمدهادی، هرمنوتیک و نقش آن در فهم وحی، پایان‌نامه ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد مرکز ۱۳۸۲.

۲- رجبی راوندی، جواد، نسبت میان وحی و تجربه دینی، پایان‌نامه ارشد علوم قرآن و حدیث، مؤسسه‌ی آموزشی امام خمینی ۱۳۸۱.

۳- علی‌مردی، محمد مهدی، شبهاتی پیرامون وحی، پایان‌نامه ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم ۱۳۷۹.

۴- محمد پور، جواد، رابطه عقل و وحی و شهود از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جعفری و آیه الله جوادی آملی، پایان‌نامه‌ی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ۱۳۸۶.

۵- شریفی اسدی، محمد علی، عقل و وحی از دیدگاه امام خمینی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۵

علاوه بر موارد یاد شده و موارد مشابه، در بررسی‌هایی که توسط اینجانب انجام گرفت، پژوهشی تحت عنوان موضوع این پایان‌نامه که پدیده وحی را به شیوه تطبیقی از دیدگاه این دو مفسر، مورد مذاقه و تحقیق قرار داده باشد، مشاهده نگردید.

فصل دوم
کلیاتی پیرامون موضوع
«وحی»

مقدمه

پدیده‌ی وحی یکی از مفاهیم و موضوعات بنیادی و کلیدی در ادیان آسمانی است، وحی و انسان تاریخ دوشادوشی دارند، نزول وحی به انسانهای برگزیده در طول تاریخ استمرار داشته، که از هبوط حضرت آدم بر زمین آغاز شده و با قطع شدن وحی قرآنی و رحلت پیامبر (ص) مهر پایان خورده است.

وحی به سبب نقش بی‌همتایی که در سعادت انسان‌ها دارد، همواره کانون توجه اندیشمندان و دانشوران ادیان بوده است، اما با وجود همه این توجهات و تلاش‌های علمی که به‌ویژه از طرف عالمان مسلمان صورت گرفته است، در سده‌های اخیر نیز در پی بروز پاره‌ای مشکلات در کتاب مقدس مسیحی و برای رهایی از آن مشکلات، برخی اندیشمندان غربی وحی را «تجربی دینی» پیامبران و در نتیجه کتاب مقدس را حاصل آن تجربه شمرده‌اند، که این نظریه در بین محققان و نویسندگان مسلمان نیز طرفدارانی یافته است و علاوه بر این، نظریه‌های دیگری از جمله «نظریه نبوغ» و نظریه «وحی طبیعی» و نظریه «فرهنگ زمانه» و اقوال گوناگون از دیدگاه فلاسفه و متکلمین درباره موضوع وحی بیان شده است، که می‌توان منشأ تمام این گونه آرا و نظرات را بی‌بهره بودن انسان‌ها (غیر از پیامبران) از وحی و در نتیجه ناتوانی فهم بشری از درک حقیقت آن دانست.^۱

۱-۲. معنای لغوی وحی :

واژه وحی واژه عربی اصیلی است که اعراب قبل از اسلام نیز با آن آشنا بودند و لغت شناسان برای آن معانی متعددی مانند : کتابت، اشاره‌ی قولی و جوارحی و القاء مطلبی بر وجه استتار و اخفاء و الهام و القای تکوینی الهی خواه مدرک انسان باشد و یا غیر انسان باشد و کلام سّری با سرعت و عجله، ذکر نموده‌اند. «احمدبن فارس قزوینی» (م ۳۹۵ ه.ق) از علمای لغت دان همه آنچه درباره‌ی وحی گفته‌اند و آورده‌اند را به

^۱ - کریمی، مصطفی، وحی شناسی، مقدمه، ص ۲۰.

اصل بازگردانده است که عبارت است: «اصلٌ يدلُّ على القاءِ علمٍ في اخفاءٍ او غيره الى غيرك»: اصل واژه‌ی وحی بر القاء پنهانی علم یا غیر آن به دیگری دلالت می‌کند.^۱

«اسماعیل بن حمّاد جوهری» (۴۰۰ه.ق) در تاج اللغة و صحاح العربیه، پنهانی بودن و آهستگی را از ویژگی‌های آن قلمداد کرده است.

یُقالُ: «وَحَيْتُ اليه الكلامَ و أَوْحَيْتُ و هو أن تكلمه بكلامٍ خَفِيٍّ»: با او سخن پوشیده گفتم یعنی آهسته صدایش کردم.^۲

«راغب» (قرن ۶) در «المفردات» آورده: وحی در اصل به معنای اشاره سریع است و به اعتبار سرعت گفته اند: «أمرٌ وَحِيٌّ» یعنی کار سری.^۳

بنابه قول «حبیبش تغلیسی» (متوفای حدود ۶۰۰) در «وجوه القرآن»: قرآن از وحی به معانی مختلف سخن به میان آورده است: سخن به سرّ گفتن، فرورستادن، پیغام دادن، نامه نوشتن، اشاره کردن، آگاهانیدن، الهام، وسوسه دیو و فرمانبردار گردانیدن.^۴

در «مصباح المنیر» (قرن ۸) «قیومی» آورده: «وحی به معنی اشاره و رسالت و کتابت است و هرآنچه به دیگری القاء کنی تا بفهمد، وحی است.»^۵

در «قاموس قرآن» (قرن ۱۵) قرآن آمده است که: وحی را اگر تفهیم خفی و کلام خفی معنی کنیم، جامع تمام معانی خواهد بود.^۶

«حسن مصطفوی» (قرن ۱۵) در کتاب «التحقیق»، واژه وحی را القاء امر، علم، ایمان، نور، وسوسه و مانند آن به درون دل و جان دیگری (خواه انسان، فرشته، مانند آن) با واسطه یابی که ره آوردش علم و یقین و شهود باشد، تعریف کرده است.^۷

در «دانشنامه قرآنی» وحی به معانی، الهام، طلب، اخبار، فرمان، اشاره سریع، ایماء، وسوسه، رویا، تنزیل، قرآن، تعریض، شنیدن آوا آمده است.^۸ تفاوت نظر «ابن فارس» و «راغب» در این است که ابن-فارس، ریشه اصلی وحی را برالقای پنهانی دانش و غیر آن می‌داند، ولی راغب اصفهانی براین باور است که وحی اشاره‌ی سریع است، یعنی سرعت را در معنای وحی اصل گرفته است، ولی کلام ابن فارس، به واقع نزدیک‌تر باشد زیرا اگر به کاربردهای قرآنی وحی توجه شود، معلوم می‌شود که در تمام آنها یک انتقال پنهانی در نظر است اگر معنای اصلی اشاره‌ی سریع بود بایستی در تمام کاربردهای آن لحاظ می‌شد.^۹

^۱ - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۹۳.

^۲ - جوهری، اسماعیل بن حمّاد، تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۶، صص ۲۵۱۹-۲۵۲۰.

^۳ - راغب اصفهانی، محمد، المفردات فی غریب الفاظ، ماده‌ی وحی.

^۴ - تغلیسی، حبیبش بن ابراهیم، وجوه قرآن، ماده وحی

^۵ - قیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۵۲.

^۶ - قرشی، علی اکبر، قاموس القرآن، ج ۷، ص ۱۹۰.

^۷ - مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۵۶.

^۸ - خرم شاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآنی، ذیل ماده وحی.

^۹ - کریمی، مصطفی، وحی شناسی، ص ۲۸ و ۲۷.

از مجموع این نظرات که لغت شناسان درباره‌ی معنای لغوی وحی بیان کرده‌اند، می‌توان این نتیجه‌را گرفت: درمعنای لغوی وحی اعلام «سریع» و «مخفیانه» عناصر مهم به‌شمار می‌آیند، که همه‌ی موارد استعمال وحی درقرآن را به گونه‌ی حقیقی یا مجازی شامل می‌شود.

۲-۲. کاربرد وحی در قرآن کریم

قرآن کریم معنای لغوی وحی را، اعم از وحی نبوی به کاربرده است، واژه وحی و مشتقاتش به صورت اسم، فعل ماضی و مضارع و مصدر ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید و متعدی با حروف ۷۹ بار در قرآن آمده است، از تأمل در موارد استعمال این واژه در قرآن بدست می‌آید که قرآن کاربرد این واژه را توسعه داده و آن را در مواردی به کاربرده است که در میان اعراب قبل از اسلام سابقه نداشته است مانند موارد ذیل :

۱-۲-۲. الهمام غریزی : «أوحى رَبِّكَ الى النحل»^۱.

۲-۲-۲. الهمام تکوینی: «أوحى فى كُلِّ سماءٍ أمرها»^۲ که بعضی، از آن به هدایت تکوینی تعبیر کردند^۳. اگر وحی به خود سماء باشد از باب تسخیر است و اگر به اهل سماء باشد از باب لوح و قلم است.^۴

۳-۲-۲. القائات شیطانی : «شَیَاطِینَ الْإِنسِ وَ الْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ إلی بَعْضٍ»^۵.

۴-۲-۲. الهمامات رحمانی : «وَأوحینا الى أمِّ موسی»^۶.

۵-۲-۲. وحی به انبیا : که همان القای معارف و احکام الهی است؛ طبق آیه «۵۱ شوری» که به تکلم خداوند با پیامبر در سه قسم منحصر شده است :

«وما كان لبشرٍ أن يكلمه اللهُ إلاً وحيًا أو من وراءِ حجابٍ أو يرسلَ رسولاً فيوحى بإذنه ما يشاء» :

این سه عبارت دراین آیه به منزله‌ی «مفعول مطلق نوعی» هستند و بنابراین تقدیر کلام این است :

و ما كان لبشرٍ أن يكلمه اللهُ نوعاً من أنواع التكليم إلاً هذه الانواع الثلاثة : أن يوحى وحيًا أن يكون من وراءِ حجابٍ أو يرسلَ رسولاً.^۷

اطلاق کلام و تکلم به هر سه قسم، حقیقی بوده و در نتیجه استثناء در آیه، استثناء متصل است . در «مجمع البيان» آمده است که تقدیر صحیح این آیه این است که گفته شود:

۱- نحل / ۶۸

۲- فصلت / ۱۲.

۳- جواهری، محمد حسن، پرسمان علوم قرآنی، ص ۳۸.

۴- کمالی دزفولی، علی، قرآن ثقل اکبر، ص ۳۹۵.

۵- انعام / ۱۱۲.

۶- قصص / ۷.

۷- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۷۶.

« یُرسل » را حمل می‌کنیم بر « آن یوحی » که « وحیا » بر آن دلالت می‌کند ، پس تقدیر چنین خواهد بود :

« و ماکان لبشیرِ ان یکلّمه الله اّلا ان یوحی وحیا او یُرسل رسولاَ فیوحی »

و در جمله ی «اّلا وحیا» دو ترکیب جایز است :

۱. آنکه استثناء منقطع باشد .

۲. آنکه حال باشد، اگر آن را استثناء منقطع گرفتی در کلام چیزی که متعلق «من» باشد نداریم زیرا ما قبل حرف استثناء نمی‌تواند در ما بعد آن عمل کند، زیرا حرف استثناء در معنی حرف نفی است و من وراء حجاب را به فعل « یُکَلِّمُ » مقدر مُتَعَلِّق می‌گیریم و تقدیر چنین خواهد :

« و ماکان لبشیرِ ان یکلّمه الله اّلا ان یوحی الیه او یُکَلِّمُهُ من وراء حجاب. »^۱

همچنین اطلاق وحی به هر سه قسم رواست، چنان که قرآن سخن گفتن با حضرت موسی (ع) را وحی نامیده است : «وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحَى»^۲.

اما چون در قسم نخست، پیام با اخفاء و سرعت بیشتری القاء می‌شود، گویی اختصاص لفظ وحی به این قسم، اولی و با لغت ساز گارتر است^۳.

بنابراین، اولاً تکلم خداوند به معنی تفهیم مراد است و اعم است از آن که با کلمات باشد یا بدون آن ثانیاً مراد از وحی، وحی بدون استماع است، زیرا قسم «من وراء حجاب» است که وحی مع الاستماع اما بلاواسطه است. بنابراین، قسم دوم همان «من وراء حجاب» است که استماع در آن هست، اما واسطه‌ای در کار نیست که «کَلَّمَ اللهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» از این باب است و سوم از انواع کلام، ارسال رسول و وحی به پیغمبر(ص) به واسطه همراه استماع است .

پس کلام خداوند، اعم است که قابل استماع باشد و یا غیرقابل استماع، کلام قابل استماع یا بلاواسطه من وراء حجاب است و یا به وسیله رسول است، کلام غیر قابل استماع همان وحی بلا واسطه است.^۴ مفسران درباب تعیین مصادیق و صور قسم نخست (وحی بدون واسطه) موارد ذیل را ذکر کرده اند:

۱. مشاهده در رویا :

دراین صورت خداوند متعال پیامی در خواب به پیامبر الهام می‌کند، همان گونه که از امام علی (ع) روایت شده است که «رُؤِیا الانبیا وَحی»^۵. همچنین، خداوند متعال در عالم رؤیا حضرت ابراهیم (ع) را به قربانی کردن فرزندش امر کرد :

^۱ - طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۲۲ ، ص ۱۷۳ .

^۲ - طه / ۱۳ .

^۳ - رازی ، فخر الدین ، محمدبن ، التفسیر الکبیر ، ج ۲۷ ، ص ۱۸۷ .

^۴ - کمالی دزفولی ، علی ، قرآن ثقل اکبر ، ص ۳۸۷ .

^۵ - مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۸ ، ص ۱۸۱ .

« قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ... »^۱

و درباره‌ی رسول خدا (ص) فرمود:

« لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ... »^۲

۲. الهام قلبی :

در این شکل از وحی، خداوند از راه افکندن حقیقت یا پیامی در دل انسان پاک نفسی با او سخن می‌گوید که در روایات با تعبیراتی مانند: « القذف فی القلب » یا « النفث فی الروح » یاد شده است.^۳ اکثر مفسرین در تعیین مصادیق وحی مستقیم به بیان دو صورت مذکور اکتفا کردند.^۴ اما اگر مصادیق وحی مستقیم در این دو صورت منحصر باشد، این قسم از وحی به لحاظ رتبه از دو قسم دیگر پائین‌تر خواهد بود و اختصاص به پیامبران نداشته، شامل حال همه انسان‌ها خواهد شد، همان‌گونه که قرآن در مورد مادر موسی (ع) و حواریون حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:

« وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ... »^۵ و

« إِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي... »^۶

به نظر می‌رسد که این قسم وحی (وحی مستقیم) منحصر به این دو صورت نیست و مرتبه‌ی عالی‌تری نیز برای آن وجود دارد و آن این است که نفس پیامبر (ص) در هنگام بیداری و به طور مستقیم مورد مشافهه الهی قرار می‌گیرد، علی بن ابراهیم قمی در تفسیر « اَلَا وَحِيًّا » در آیه شریفه (۵۱/ شوری) دو مصداق را برای آن ذکر می‌کند :

۱. وحی مشافهه‌ای

۲. وحی الهامی

« وَحِيٌّ مَشَافَهَةٌ وَ وَحِيٌّ الْهَامُ وَ هُوَ الَّذِي يَقَعُ فِي الْقَلْبِ... »^۷

در مورد وحی در خواب نظر دیگری وجود دارد و آن این است : هیچ یک از آیات قرآن در خواب بر پیامبرانازل نشده است.^۸ وحی قرآنی صرفاً به دو شکل مستقیم و یا به دست فرشته بوده است.^۹ در واقع یکی از راه‌های ارتباط پیامبران با حضرت غیب الغیوب، خواب‌های راست (روایهای صادقانه) است که نخستین مرحله نبوت است تا پیامبران به تدریج آماده دریافت پیام الهی شوند، زیرا نیروی بشری آنها در نخستین مرحله

۱ - صافات / ۱۰۲.

۲ - فتح / ۲۷.

۳ - مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۵۳؛ ج ۱۸، ص ۲۴۶.

۴ - طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۹، ص ۱۷۷؛ طبرسی، فصل بن حسن، مجمع البیان، ج ۹، ص ۵۷.

۵ - قصص / ۷.

۶ - مائده / ۱۱۱.

۷ - قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی ذیل آیه ۵۱/ شوری.

۸ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۳۰.

۹ - همو، مقدمه ای بر علوم قرآنی، ص ۱۰۲.